**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه سی و هشتم\_4 دی 1397**

در جلسه گذشته سه احتمال را در مورد آیه نفر از تقریرات آقای سیستانی نقل کردیم، قبل از اینکه وارد این بحث شویم که آیا این آیه مبارکه ربطی به بحث خبر واحد دارد یا نه، خود آیه را باید دقت کرد، یکی از آیاتی است که هم مفسران مختلف درباره اش صحبت گفته اند، و هم به دست اصولیین اهل سنت و شیعه که رسیده است به مناسبت بحث خبر واحد و نیز بحث تقلید، مباحثی اطراف این آیه مطرح شده است آیه نفر است. من تقاضا دارم خالی الذهن باشیم از همه آنچه که از آیه خوانده ایم و شنیده ایم. ببینیم معنای که من بیان می کنم با سیاق، روح سوره و لغت سازگاری دارد یا خیر؟

توبه آیه 120:

ما كانَ لِأَهْلِ الْمَدينَةِ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِه(مبادا انقدر خود را دوست داشته باشند که پیامبر را فراموش کنند)ِ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ لا يُصيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لا نَصَبٌ وَ لا مَخْمَصَةٌ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ لا يَطَؤُنَ مَوْطِئاً يَغيظُ الْكُفَّارَ وَ لا يَنالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلاً(ضربه ایی از دشمن نمیخورند) إِلاَّ كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لا يُضيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنينَ (120)

در تمام زمینه ها باید ان ها پیروی پیامبر باشند و جان و مال شان را باید در راه او بذل کنند و مشکلات را تحمل کنند وبدانند همه این ها اجر و پاداش دارد.

آیه بعد:

وَ لا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغيرَةً وَ لا كَبيرَةً وَ لا يَقْطَعُونَ وادِياً إِلاَّ كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ (121)

این دو آیه در مورد اهالی مدینه و من حولهم است که مدافع جان پیامبر هستند و این مقدار تاکید بر جهاد طبیعتا یک برداشتی برای مردم ایجاد می کند که هر وقت فرمان جهاد داده شد، همه باید حرکت بکنیم و برویم چه ما اهل مدینه و چه بادیه نشین ها. مدینه مرکز اسلام است. این مدینه سیاست گذاری درش میشود، این مدینه درش لشکر ها جمع می شود، این مدینه مرکز علم و فهم دین است چون پیامبر اکرم صلی اللهعلیه و آله وسلم و اصحاب طراز اول ایشان در آن قرار دارند. پس هم مرکز جنگ است هم مرکز علم و هم مرکز سیاست. و این که کسانی که اطراف مدینه بودند فهم شان کمتر بود. حال یک تصوری برای همه است که اهل مدینه ایی ها هر وقت فرمان جهاد امد همه مدینه را خالی کنند برای جهاد و اطراف مدینه ایی ها هم قبیله خود را ترک کنند و بیایند مدینه برای آماده شدن برای جهاد.

حال آیه می گوید من گفتم جهاد مهم است اما همه قضیه این نیست، و ما کان المومنون لینفروا کافة

"نفر" در اصطلاح به معنای جهاد است اما در لغت ملاحظه کنید نفر یعنی جدا شدن، نفرت هم به همین معنا است. به کوچ هم که می گویند "نفر" از این جهت است که انسان از شهر و قبیله و خانواده خودش جدا می شود.

و متعلق نفر فقط جهاد نیست بلکه یعنی ان کوچی که مشقت به دنبال دارد.

وَ ما كانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (122)

کلمه فاء می آید نه واو، کلمه لولا را هم می آورد.

چرا این کار را نمی کنند که از هر شهر و روستایی یک گروهی نفر کند و بیاید مرکز علم، همان مرکز جهاد مدینه، چرا شما مدینه را همیشه مرکز جهاد میگیرید مدینه مرکز علم هم هست، نمی گویم همه بیایید یک گروه خاصی خانه و آشیانه خود را رها کنند سختی دور از وطن بودن را رها کنند مثل آنان که سختی کوچ را برای جهاد تحمل می کنند. تا آنان که نفر می کنند بیایند و لیتفقهوا فی الدین.

تفقه در دین به جز بصیر و آگاه بودن است، آنی که در جهاد است آگاه بودن این انسان است.

فی الدین نه یک بخش دین که اعتقادات باشد. همان دینی که قرآن فرمود ان الدین عند الله الاسلام. همان دینی که بر مبنای فطرت است و خود قرآن معرفی اش کرده است ان ها بروند ان دین را در مدینه تفقه کنند چه ایام جنگ و چه ایام صلح چه پیامبر در مدینه باشد و چه نباشد پیامبر اگر هست که چه بهتر اگر نباشد هم که همیشه در مدینه افرادی بودند که احادیث را شنیده بوده اند و می توانید از ان ها استفاده کنید.

حال همان شمایی که کوچ کردید برای تحصیل علم به مدینه النبی آمدید روستایی دارید قبیله ایی دارید نمانید اینجا و از اینجا حرکت کنید و لینذورا قومهم اذا رجعوا همین متفقین الا دینشان.

این معنای آیه است و هیچ تنافی صدر وذیل ندارد و با سیاق آیات هم هماهنگ است و با ان چه در وجوب تحصیل علم داریم موافق است و معنای آیه هم صریح و سرراست است.

شان نزول هم با این سازگار است.

این معنای آیه مال زمان آیه، اما الان معنای آیه معنایش این است که کوچ کردن انسان ها اگر بخواهند ثواب ببرند، فقط در این نیست که به جهاد بروند، فقط جنگ نیست، فقط در میدان جنگ نیست، آیه جهاد را توسعه می دهد هم جهاد با جان و مال و هم جهاد با علم و تفقه و اندیشه و اگر هم می گوید وَ لا يَقْطَعُونَ وادِياً إِلاَّ كُتِبَ این فقط جهاد نیست بلکه نفر از خانه و آشیانه خود برای کسب علم را هم شامل می شود جایی که تو بتوانی این نوع جهاد خاص را انجام بدهی اتفاقا در روایات ما مثلا از امر به معروف و نهی از منکر تعبیر شده است به جهاد با لسان.

این معنای آیه به نظر ما هیچ احتیاج به تقدیر گرفتن یا خلاف ظاهر مرتکب شدن ندارد، معنای آیه همه اش مشخص است در مورد جهاد است و خصوصیاتی که مجاهدین باید رعایت کنند پس می شود آیه به نحوی به بحث ما مربوط باشد.

الجهة الثانی فی الشمول التفقه لنقل الاحادیث، آیا به صرف نقل حدیث تفقه می گویند یا خیر؟

مرحوم شیخ انصاری می فرماید، رسائل ج 1، ص 284: می فرماید تفقه یعنی فهم دقیق و مبالغه در فقه است و متفقه با فقیه فرق دارد، متفقه کسی است که عمیق درس خوانده است و در کمال فقاهت و بصیرت است. درایة روایت تفقه درست می کند نه نقل روایت به تنهایی. نقل روایت بحثی است و درایت بحث دیگری است. چه بسا کسی حدیثی را نقل می کند و درایتش از ماست، هیچ نیاز نداریم این را آن جا معنا کنیم. پس نقل الروایة غیر نقل فقیه است.

و هذه الآیه ترتبت بقبول القول الفقیه ..نه قبول حرف محدث و راوی.

پس اگر قرار است از این آیه یک معنایی برداشت شود ببرید در باب تقلید نه باب نقل روایات.

این سخن از طرف آقایی خویی اشکال شده است و اقای سیستانی جواب می دهد.

ادامه بحث ان شاء الله جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.